

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

حزب کار ایران – توفان

۱۶ جون ۲۰۱۲

سخنی پیرامون منافع ملی ایران

و تحریکات امپریالیستی در مورد جزایر سه گانه

مبارزه با رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، نباید مبارزه با ایران باشد. غنی سازی اورانیوم حق مسلم مردم ایران است و به ماهیت رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نیز ربط ندارد. کشورهای جهان صرفنظر از این که چه نوع حکومتی بر آنها حاکمند، از حقوق برابر در عرصه جهانی، در جلسات بین المللی و مجامع عمومی برخوردارند و باید این حقوق همه جانبه و از همه جوانب مورد احترام و حمایت قرار گیرند.

تنها کشورهای قلدر و زورگو در جهان هستند، که این اصل اساسی منشور ملل متحد را به رسمیت نشناخته و حقوق کشورهای تحت سلطه، ضعیفتر و نامطمع را به زیر پا می گذارند. این کشورهای متجاوز برای تأمین منافع استیلاگرانه خویش، در حالی که دستانشان تا آرنج به خون آلوده است، از اسلحه حقوق بشر برای پیشبرد مقاصد شوم خود و انحراف افکار عمومی بهره می برند. ایران از جمله چنین کشورهایی است که قربانی چنین سیاستی است و رژیم حاکم بر ایران نیز با نقض مستمر حقوق بشر در همه زمینه ها، با تقویت استبداد آشکار و خودکامگی ولی فقیه، زمینه چنین سوء استفاده هائی را فراهم می کند.

امپریالیستها و صهیونیستها کوشیدند و می کوشند که ممالکی نظیر ایران و سوریه و در سابق لیبیا را از همه حقوق قانونی خود محروم کنند، استدلالی که آنها برای فریب افکار عمومی به یاری ایادی خود در جهان و در این ممالک مطرح می کنند، مستبد بودن و نادیده گرفتن حقوق بشر از جانب این کشورهاست. در حالی که رژیمهای نظیر کویت، عربستان سعودی و امارات متحده عربی و... از رژیم ایران به مراتب مستبدتر و عقب مانده تر و ارتجاعی ترند. آنها حتی نیازی نمی بینند که این روش دورویانه خویش را توجیه کنند. هیلری کلینتن یک بار در مصاحبه با بی بی سی به صراحت به این تناقض اشاره کرد، ولی آن را موجه و ناشی از منافع امنیتی امریکا دانست.

عده ای که از نظر سیاسی عقب مانده و تفکرشان ارتجاعی است، با نقابهای "انقلابی" و حتی ماوراء انقلابی، خود را در جلو کارزار تبلیغاتی امپریالیستها و صهیونیستها قرار می دهند، به اسب گاری آنها بدل شده و عربده می کشند، که هر پیشرفت و موفقیتی که نصیب کشور ایران شود، تنها به صرف بر مسند قدرت بودن رژیم سرمایه

داری جمهوری اسلامی، که یک رژیم ارتجاعی و مستبد است، باید محکوم و به دور انداخته شود. هر موفقیت ورزشی باید تخریب شود، هر موفقیت هنری و ادبی و فرهنگی باید به سخره گرفته شود و محکوم گردد، هر موفقیت علمی باید تکذیب شده و یا بی اهمیت جلوه داده شود. این عده که در تخریب ایران و نه جمهوری اسلامی فعالند، در واقع نه به کشورشان و نه به مردم کشورشان اهمیت می دهند و نه علاقه ای نسبت به آنها در سینه دارند. آنها سخنگویان بیگانگان هستند. آنها حتی ارزیابی روشنی از امکانات مردم و وطنشان و روحیات و فرهنگ آنها ندارند. دستاوردهای مردم ایران در هر زمینه ای برای آنها، دستاوردهای جمهوری اسلامی جا زده می شود. این عده شاید در اثر جهالت و سفاهتشان نمی دانند، که با این کارشان برای جمهوری اسلامی امتیاز جلب می کنند و برای این رژیم تبلیغ می کنند.

پیشرفتهای ایران که علی رغم فشارها و سرکوبهای جمهوری اسلامی در تمام عرصه های علمی و فرهنگی و ادبی و هنری و نظایر آنها وجود داشته، به دست آمده و در آینده هم وجود خواهد داشت. رژیمی که از همان بدو پیدایشش مخالف دانشگاهها بوده و با انجام انقلاب فرهنگی ارتجاعی اسلامی، دانشگاهها را به پادگان بدل کرده و در آنها نماز میت برگزار می کند، این رژیم هوادار علم و دانش و پژوهش و پیشرفت نیست. این رژیم در پی ساختن امامزاده و چاه جمکران است تا با توسل به معجزات آنان کشورداری کند. پیشرفت با ماهیت رژیم جمهوری اسلامی در تناقض است. در حالی که آخوندها در اتومبیلهای ضد گلوله آمد و رفت می کنند، دانشمندان اتمی ایران در ماشینهای معمولی هستند، که به دست تروریستهای دست پرورده موساد با حمایت سازمان مجاهدین خلق به قتل می رسند.

تحریکات امپریالیستی در مورد جزایر سه گانه محکوم است

امروز با یاری عربستان سعودی و شیخ نشینهای عربی کرانه خلیج فارس، تحریکات وسیعی در تخریب سوریه و دست اندازی به منافع ملی ایران در منطقه صورت گرفته است. این منافع ملی ما همواره منافع ملی ایران باقی می ماند، چه جمهوری اسلامی بر سر کار باشد و چه نباشد. این که نام خلیج فارس از نظر تاریخی خلیج فارس بوده است و می ماند، این که سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی به ایران تعلق دارد، هرگز ربطی به جمهوری اسلامی و یا هر حکومت حاکم بر ایران ندارد. فقط دشمنان ایران و عمال بیگانه هستند که با جعل مفهوم میهنپرستی و "انترناسیونالیسم" تلاش می کنند برای تجاوز عربستان سعودی و امپریالیسم در ایران افکار عمومی تهیه کنند. امروز جست و جوگر گوگل نام خلیج فارس را در نقشه جغرافیا حذف کرده است. آیا این اقدام اتفاقی صورت گرفته است؟ طبیعتاً چنین نیست.

وقتی مسوول رادیو بی بی سی از مسوول گوگل در این مورد پرسش کرد، وی مدعی شد که "قرار نیست هر بخشی از آب های جهان در نقشه گوگل نام داشته باشد". در مقابل پرسش مجدد که برخی از این محلهای بی نام را در نقشه گوگل نام ببرد، مسوولان گوگل حرفی برای زدن نداشتند. روشن است که خلیج فارس یک "لکه" معمولی بر روی کره زمین نیست. هزاران سال سابقه تاریخی دارد و تحریکات امروزی که صورت می گیرد صرفاً جنبه سیاسی و سلطه جویانه دارد.

عربستان سعودی و شیخ نشینهای امارات متحده عربی که با مقاومت مردمشان به ضد مستبدان حاکم روبرو شده اند، با واهمه فراوان تلاش می کنند به جای تحقق خواستهای مردم کشورشان، جنبشهای آنها را وابسته به ایران و حضور شیعیان در کشورشان جلوه دهند و آنها را سرکوب کنند. دامن زدن به جنگ شیعه و سنی یکی از شگردهای

آنان است که با یاری امریکا در عراق به رهبری نگرپونته سفیر سابق امریکا در عراق، شروع کردند و امروز عربستان سعودی جایش را گرفته است. موج بزرگی از تبلیغات ارتجاعی را، در ممالک عربی برای تحریک علیه ایرانی ها به راه انداخته اند و با هزینه کردن مبالغ گزاف و چرب کردن سبیل سازمانهای علمی، سیاسی و شرکتهای انتفاعی... تلاش می کنند، تا تاریخ جهان را تحریف کنند. وقتی گوگل حاضر می شود در ازای رشوه گیری نام خلیج فارس را از شبکه اینترنت حذف کند، ملاحظه کنید با سایر حقایق تاریخی چگونه برخورد می کنند.

این کنسرنهای جهانی با یاری ارتجاع جهانی، تاریخ جهان را به اساس منافع مالی خود می نویسند. این اقدامات عربستان سعودی که از بمب گذاریهایش با یاری قطر و یاری تسلیحاتی عظیم امپریالیستها، در منطقه، در پاکستان و عراق و سوریه و لیبیا و شروع شده است، در همدستی با امپریالیسم در جهت نقض منافع ملی ایران در منطقه است. این مسلمانان دو آتش در مورد جعل مرزهای اسرائیل در نقشه جغرافیای گوگل حرفی نمی زنند و اشغال سرزمینهای فلسطینی را می پذیرند، ولی حاضرند میلیاردها دلار خرج کنند، تا نام خلیج فارس تغییر کند، تا زمینه ای برای اقدامات بعدی باشد که در آینده تغییرات اساسی تری به نفع امپریالیسم امریکا در خلیج فارس به نفع آنها ایجاد نمایند. آنها تلاش دارند همه را به ضد ایران بشورانند. این امر اساساً ربطی به جمهوری اسلامی ندارد، ایران با توانائی های معنوی، مردمی، علمی، فنی، تاریخی، جمعیتی، فرهنگی و امکانات عظیم انسانی که دارد، طبیعتاً قدرتی بالقوه در منطقه است و این امر مورد خوش آیند همسایگان ایران، از ترکیه گرفته تا عربستان سعودی نیست. اگر جمهوری اسلامی هم بر سر کار نباشد، این مخالفت با اشکال دیگر با ایران ادامه دارد، برای آنها خلیج فارس، خلیج عربی است، خوزستان بخشی از عراق بوده و سه جزیره ایرانی خلیج فارس متعلق به امارات ساخته و پرداخته دست استعمار است. در این کُر ارتجاعی همه گروه های تجزیه طلب گرد و آذری که مورد حمایت امپریالیستها و صهیونیستها برای تجزیه ایران هستند، دخالت آشکار دارند. آنها مدعی اند که ادعاهای شیوخ عرب به ما مربوط نیست. آنها به هر صورت نسبت به واژه "فارس" حساسیت دارند. با منطق آنها یک "فارس" کمتر بهتر. آنها ستون پنجم امپریالیسم و صهیونیسم در ایران هستند و خودشان را پشت "ستم ملی" پنهان کرده اند. این تلاشها با رنگ کمتر، از زمانی که شاه بر سر کار بود صورت می پذیرفت. تضادهای آن روزها در کادر نوکری از امپریالیسم امریکا دامنه بروزش کمتر بود و تأثیر این سر و صدای جهانی امروز را نداشت. عربستان سعودی به جزایر سه گانه ایران چشم دوخته است، زیرا این جزایر نه تنها از نظر ستراتیژیک اهمیت فراوان دارند و کنترل نقل و انتقالات را در خلیج فارس زیر نظر خواهند داشت، سواحل آنها نیز می تواند چه از نظر توریستی و چه از نظر وجود ذخایر نفت و گاز که در این مناطق بسیار فراوان است، مورد بهره برداری قرار گیرد.

دولت متجاوز و گرگ صفت اوباما، سفر احمدی نژاد را که چه خوب و یا چه بد، به هر صورت رئیس جمهوری قانونی، چه تقلبی و چه غیر تقلبی ایران است، به جزیره ابوموسی محکوم کرده است. بی شرمی امپریالیست امریکا حد و مرزی ندارد. احمدی نژاد حتی اگر فاسدترین و جنایتکارترین عنصر ایرانی باشد، حق دارد به عنوان یک ایرانی به هر گوشه کشورش سفر کند. اوباما با این اظهار نظر بی شرمانه اش که اپوزیسیون خود فروخته ایران در موردش سکوت کرده است، تلویحاً اعلام می کند، که جزایر سه گانه به امارات متحده عربی و عربستان سعودی تعلق دارند و امپریالیست امریکا برای تسلط بر این جزایر ایرانی، در سمت امارات ایستاده است. امریکا به امارات می گوید، که باید به روی حمایت تسلیحاتی، تبلیغاتی، حقوقی و سیاسی وی حساب کند و تا می تواند، علیه ایران تحریک نماید. امپریالیست امریکا با فراهم کردن تسلیحات لازم و اعزام خلبانهای امریکائی که حتماً تابعیت امارات را می پذیرند، می خواهد به تجزیه ایران بپردازد. اوباما از طرح مسأله سه جزیره در دادگاه لاهه سخن می راند.

هیچ کشوری حاضر نیست که در دادگاهی شرکت کند که در مورد منافع ملی و حق حاکمیتش تصمیم بگیرد. البته اساس این خیانت به رژیم محمد رضا شاه بر می گردد که با یک زد و بند استبدادی و بدون شرکت دادن مردم در بحث ها، با استقرار سانسور، بحرین استان چهاردهم ایران را به امپریالیستها بخشید و حق حاکمیت ملی و تاریخی ایران را بر سه جزیره، بعد از خروج انگلیسها از خلیج فارس، مستقر ساخت. شاه خود فروخته اقدامی نکرد تا در دوران حکومتش، از نفوذ خویش در آن دوران، برای تثبیت مالکیت ایران بر این جزایر در عرصه های جهانی استفاده کند.

دفاع از تمامیت ارضی ایران، ربطی به ماهیت سیاسی رژیم ندارد

اینکه اپوزیسیون سیاسی ایران باید از حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران دفاع کند، ربطی به ماهیت رژیم حاکم در ایران ندارد. این اپوزیسیون خود فروخته در تمام عرصه های خود فروشی، چه در مورد جدائی از ایران و تجزیه ایران، و چه در عرصه غنی سازی اورانیوم که حق مسلم مردم ایران است، و چه در زمینه اشغال سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی، توسط امپریالیستها و یا تجاوز امپریالیسم و صهیونیسم به ایران و یا تحریم مواد غذایی و دارویی مردم ایران و محکوم کردن آنها به گرسنگی، با تئوریهای پوچ و من در آوردی، در سمت امپریالیستها ایستاده است و برای آنها دست می زند. بهانه این اپوزیسیون خود فروخته این است، که رژیم جمهوری اسلامی استبدادی و مذهبی است و در سرکوب مخالفان از هیچ جنایتی رویگردان نیست. این اپوزیسیون رنگهای گوناگون به خود می زند، ولی در ماهیت امر همه آنها چه بخواهند و چه نخواهند، در کنار امپریالیستها ایستاده اند. برخی خود را "انترناسیونالیست" جا می زنند و به ضد میهنپرستی می نویسند، تا تجزیه ایران و اشغال جزایر سه گانه را توسط امپریالیستها بی اهمیت جلوه دهند. خنده دار است که این "انترناسیونالیستها" که خود را "کمونیست" جا می زنند، تا نیروهای سالم کمونیست را فریب دهند، یک دل و یک زبان از تمامیت ارضی اسرائیل و میهنپرستی صهیونیستی دفاع کرده و سرزمینهای اشغالی فلسطین را بخشی از خاک اسرائیل می دانند.

قلمبستان مزدور آنها فقط به ضد میهنپرستی ملتهای در بند و ممالک زیر سلطه قلمفرسائی می کنند، برخی اسلام ستیزی را عمده می کنند، زیرا که در این صورت مبارزه ضد امپریالیستی تحت الشعاع مبارزه ضد مذهبی قرار گرفته و همه اپوزیسیون بالقوه ضد رژیمی را، در صورت حاد شدن خطر اشغال، در کنار امپریالیستها قرار می دهد. "حزب کمونیست کارگری ایران" و همه مریدان منصور حکمت از زمره این افراد هستند. آنها اسلام ستیزی و بی وطنی را بر فرق خود نوشته اند. در حالی که جنگ فرسایشی در ایران در جریان است و تهدید به اشغال جزایر ایرانی در دستور کار است، عمال خود فروخته آنها راه می افتند و تبلیغ می کنند، که باید جنبش لختی ها به راه انداخت. زیرا با لخت شدن گویا اسلام سرنگون می شود. آنها "انترناسیونالیست" اند، زیرا از لخت و عور شدن دختران مصری و همدردی دختران لخت اسرائیلی با آنها حمایت می کنند و خودشان نیز فرمان لخت شدن دختران ایرانی را صادر می کنند و تقویم لختی ها چاپ می کنند و آن را به شرط عضویت در حزبشان بدل می سازند. کنگره حزب این لختیها و مبانی وحدتشان واقعا تماشائی است. اعضای حزب لخت و عورهای منصور حکمت با تبلیغ این نظریات زن ستیزانه و مبتذل که زنان را مانند همه تبلیغات نیازمندیهای عمومی سرمایه داری، به کالا بدل می کند، افکار عمومی را از مسایل مهم جامعه ایران، منحرف می سازند و مانند خود جمهوری اسلامی که همه مشکلات جهان را مشکل جنسیتی جلوه می دهند، آنها نیز در همان عرصه با رژیم جمهوری اسلامی به رقابت می پردازند. کارزارهای آنها صرفا برای منحرف کردن افکار است، تا کسی به سخنان اوباما که دخالت آشکار در امور

داخلی ایران بوده و صدور فرمان تجاوز محسوب می شود، توجه نکند. برای آنها مهم نیست که خلیج فارس خلیج عربی شود و سه جزیره به مالکیت امارات در آیند، مهم این است که یک رژیم مذهبی اسلامی صدمه بخورد و به زعم آنها تضعیف شود. این عده فقط نقش جاسوسی خویش را کم اهمیت جلوه می دهند، زیرا روشن است که رژیم جمهوری اسلامی در ایران نمی تواند تا ابد بر سر کار بماند، ولی ایران و خلیج فارس و جزایر سه گانه تا کره زمین باقی است، در این منطقه ماندنی هستند.

سازمان مجاهدین خلق البته به لخت و عور شدن متوسل نمی شود، مأموریت وی در عرصه دیگر است. آنها به عکس بر این نظرند که خواهران مجاهد باید رعایت حجاب اسلامی را بکنند و با برادران اسلامی دست ندهند. خانم رجوی به نام مریم نیز یک لحظه در ملاء عام روسری خود را از سرش بر نمی دارد تا مبادا، "خدای نکرده"، اشعه ای که از موهایش ساطع می شود، برادران را از نظر جنسی تحریک کند. این سازمان که زمانی به ضد امپریالیسم و صهیونیسم می رزمید، به یک باره با وحی مُنزَل متوجه شده است، که کارش تا کنون بیهوده بوده و نه امپریالیسمی در جهان وجود دارد و نه صهیونیسمی. به ناگهان همه امپریالیستها تغییر ماهیت داده اند. گانگسترها دیگر گانگستر نیستند. همه رژیمهای جنایتکار و ضد بشر به یک باره، به متحد این سازمان بدل شده اند. مدتهاست که منابع امنیتی در جهان با اسناد و مدارک مستند اعلام کرده اند، که اعضای این سازمان با سازمانهای امنیتی امریکا همکاری تنگاتنگ داشته و برای آنها در ایران به ترور مشغول بوده و جاسوسی می کنند. حتی دو قلم جاسوسی آنها را خودشان با افتخار!!؟؟ اعتراف کرده اند. این عده مانند پاره ای از سلطنت طلبان شاه الهی و مزدور سازمان سیا و دارودسته حمید تقوایی جانشین خلف منصور حکمت، به صراحت بیان می کنند که امروزه باید در کنار امریکا و اسرائیل به ایران حمله کرد و رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون ساخت. این عوامفریبان نمی گویند که حمله به ایران برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی صورت نمی گیرد، برای ویرانی ایران و اسارت ایران صورت می گیرد. تجاوز آشکار به ایران توسط میشران آزادی نیست، توسط استعمارگران آزموده و جنایتکار است که ما دست پخت آنها را در کوریا، هندوچین، عراق و افغانستان و لیبیا و امروز در سوریه می بینیم. امپریالیسم اگر روزی قادر شود بر ایران چیره گردد، طبیعی است که نوکران خود را بر سر کار می آورد و قراردادهای استعماری به مردم ایران تحمیل کرده و پایگاههای نظامی در ایران مستقر ساخته و منابع طبیعی ایران را بدون حساب و کتاب می دزد و می برد و به کسی هم حساب پس نمی دهد. چقدر باید کسی ذلیل و کور باشد، چقدر باید کسی به ننگ خیانت تن داده باشد که چشمش را بر این حقایق زنده ببندد و نفهمد که ایران رژیم جمهوری اسلامی نیست. ایران ماندنی و رژیم جمهوری اسلامی رفتنی است.

برخی مضحک تر از همه آنها می خواهند، در صورت اشغال جزایر سه گانه با کشتیها و ناو هواپیمابر ارتشهای موهومی خودشان، هم علیه رژیم جمهوری اسلامی یک تنه بجنگند و هم اعراب متجاوز و امپریالیسم امریکا و انگلیس و فرانسه را از سه جزیره بیرون بریزند. این عده مظهر سردرگمی در ایرانند و در عمل، زمینه لازم برای جنگ روانی امپریالیستی را در ایران فراهم می کنند. آنها توصیه می کنند که به ضد تجاوز نباید مقاومت کرد، زیرا بی فایده است و این امر به نفع جمهوری اسلامی تمام می شود، پس بهتر است همه ما در روز تجاوز خانه نشین شویم و به حفظ نیروهای خود بپردازیم. اگر در تبلیغات آنها کنکاش کنید، در تمام زمینه هایی که منافع ملی ایران مطرح است، در سمت امپریالیسم قرار می گیرند. این سمتگیری امپریالیستی را با البسه مندرس می پوشانند و شعارهای بی محتوای انقلابی سر می دهند، ولی حاضر نیستند سخنان اوپاما را محکوم کرده و بر این اصل مهر تأیید بزنند که مسؤولان رژیم ایران حق دارند، به هر نقطه ایران که بخواهند سفر کنند. اگر کسانی باشند که باید

زبان انتقاد داشته باشند، مردم ایران هستند و نه شیوخ خلیج فارس و آقای اوباما که از آن سر دنیا به بحرین آمده است. آنها مدافع اصولیت نیستند، به اساس مصلحت گروهی داوری می کنند. ولی شورای مصلحت آنها به مردم ایران خدمت نمی کند.

این که به یک باره موجی پدید آمده که نام خلیج فارس را حذف می کند، به امارات اسلحه می فرستد و ادعاهای مالکیت امارات را بر جزایر ایرانی تأیید می کند و... هیچ کدام اتفاقی نیست. جست و جوگر گوگل زیر سلطه صهیونیستهاست. ما در توفانهای گذشته فاش ساختیم که چنانچه شما اطلاعاتی در مورد بمب اتمی اسرائیل بخواهید و در گوگل به جست و جوی آن بپردازید، به جای دریافت اطلاعات واقعی، شما را به بمب موهومی ایران که نه به بار است و نه به دار حواله می دهند.

خطاب به نیروهای میهن دوست و انقلابی

روی سخن ما با همه ایرانی های میهن دوست است. نیرویهای انقلابی در ایران و نه خود فروختگان و فریب خوردگان و سردرگمان از قماش بالا، باید به این تفاوت ماهوی توجه کنند وگرنه به آلتی در دست تبلیغات امپریالیستها بدل می شوند و بسیاری از آنها متأسفانه شده اند. امروز ستون پنجم امپریالیسم و صهیونیسم تلاش می کند، در میان نیروهای چپ سرباز گیری کند. کافی است شما به موضعگیریهای آنها توجه کنید، برایشان مهم نیست که نام خلیج فارس چه باشد، جزایر سه گانه متعلق به ایران باشند و یا نباشند، ایران حق مسلمی برای غنی سازی اورانیوم داشته باشد یا نداشته باشد، قطعنامه های غیر قانونی در شورای امنیت علیه ایران را تصویب کنند یا نکنند، صهیونیستها و امپریالیستها مغایر منشور ملل متحد ایران را به تجاوز و جنگ و قتل عام مردم تهدید کنند یا نکنند، ایران را با مصوبه کنگره امریکا به طور یکجانبه و غیر قانونی و قلدرمنشانه، تحریم کنند یا نکنند. این اپوزیسیون خود فروخته و به ظاهر "چپ" سرنوشت ایران برایش بی تفاوت است. آنها با برافراشتن یک پرچم قلابی انقلابی و سنگرگیری در پس جنایات جمهوری اسلامی تن به هر خیانتی می دهند. این عده جاده صاف کن معنوی تجاوزکاران به ایران هستند.

امروز دیگر روزی فرا رسیده است که باید این تضادها را تشدید کرد تا معلوم شود کی در کجا ایستاده است. نکاتی که حزب ما در بالا بر شمرد ملاکهای برای تمیز سره از ناسره هستند. امروز نیز مسئله اتخاذ موضع دقیق در مورد این همه مسایل مطروحه، در مقابل ما قرار گرفته است. یا با مردم ایران به ضد تجاوز و تحریم علیه سرزمین ما، یا با مردم ایران برای دفاع از دستاوردها و منافع ملی ایران و یا ایستادن در کنار امپریالیسم و صهیونیسم به بهانه مبارزه با جمهوری اسلامی ایران. راه دیگری وجود ندارد. مردم ایران از کشورشان به هر قیمت دفاع خواهند کرد.

بر گرفته از توفان شماره ۱۴۷ خرداد ماه ۱۳۹۱ ژوئن ۲۰۱۲، ارگان مرکزی حزب کارایران (توفان)

www.toufan.org

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی (ایمیل).